

اثربخشی آموزش تفکر انتقادی بر نگرش کلی دانش‌آموزان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر^ا

The Effectiveness of Critical Training Thinking in Changing Attitude of Students towards Substance Abuse^{aa}

Afsar Khalili Sadrabad, M.Sc. *

Faramarz Sohrabi, Ph.D.

افسر خلیلی صدرآباد^{aa}

دکتر فرامرز سهرابی^{aa}

Abstract

The purpose of this study was to determine the effectiveness of critical thinking training on attitude change towards substance abuse in boy students of high schools in Yazd. The research was carried out by two methods of descriptive - analytic and quasi experimental design. From all high school students in Yazd, 40 students were selected through randomized cluster sampling. Then, half of the students received the skill of critical thinking training program. The effectiveness of this program was evaluated by the scale of "Attitude Towards Substance Abuse". The data was analyzed by the analysis of covariance and paired sample t-test. Results indicated that skill of critical thinking training program develops the negative attitude towards substance abuse. Developing negative attitude was significant in cognitive and behavioral tendency and was not significant in emotional tendency. This program was most effective on the cognitive aspect of attitude. The result of the study, indicating the effectiveness of skill of critical thinking training program in changing the attitude of students towards substance abuse, one compatible with previous studies. Therefore the implication of this program in order to prevent substance abuse is recommended.

Keywords: skill of critical thinking, attitude, attitude towards substance, drug abuse.

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی میزان اثربخشی آموزش مهارت تفکر انتقادی بر تغییر نگرش نسبت به مواد مخدر در دانش‌آموزان پسر دبیرستان‌های شهر یزد طراحی و اجرا شد. روش پژوهش در دو سطح توصیفی - تحلیلی و سطح تجربی است. 40 دانش‌آموز دبیرستانی به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شدند. سپس از بین دانش‌آموزان گروه نمونه، نیمی از دانش‌آموزان برنامه آموزشی مهارت تفکر انتقادی دریافت نمودند. میزان اثربخشی برنامه آموزشی با مقیاس "نگرش نسبت به سوء مصرف مواد" ارزیابی شد. داده‌های پژوهش به کمک آزمون تحلیل کوواریانس و آزمون t زوجی تحلیل گردیدند. نتایج این مطالعه نشان داد که برنامه آموزشی مهارت تفکر انتقادی، موجب تقویت نگرش منفی نسبت به سوء مصرف مواد می‌شود. تغییر نگرش منفی در دو حیطه شناختی و آمادگی برای عمل معنادار بوده است اما در حیطه عاطفی معنادار نبوده است. همچنین نتایج نشان داد که برنامه آموزشی بیشترین تاثیر را در حیطه نگرش شناختی داشته است. نتایج تحقیق حاضر در اثر بخشی برنامه آموزشی مهارت تفکر انتقادی در تغییر نگرش دانشجویان نسبت به سوء مصرف مواد با نتایج تحقیقات پیشین همسو می‌باشد و اجرای این برنامه آموزشی به منظور پیشگیری از سوء مصرف مواد در دانش‌آموزان توصیه می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: مهارت تفکر انتقادی، نگرش، نگرش نسبت به مواد مخدر، سوء مصرف مواد.

i

i

i

^a Faculty of Psychology and Education, Allameh Tabatabaie University, Tehran, I.R. Iran.
* Email: khalilimail5@yahoo.com

^{aa} دریافت مقاله: 1390/7/20 تصویب نهایی: 1390/5/30
^{aa} دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی تهران

● مقدمه

امروزه مسئله «اعتیاد» شکل مخاطره آمیز و کاملاً پیچیده به خود گرفته و در عین حال گسترش جهانی یافته است. به طوری که سوء مصرف مواد به عنوان یکی از چند مشکل سلامت ملی تعریف شده است و حدود 10 درصد از مردم از داروها و الکل سوء مصرف می کنند (مرسی¹، 2003، به نقل از اسمیت، 2006). «جوانان» در هر کشوری به لحاظ تحرک اجتماعی و بالندگی نقش محوری را در توسعه همه جانبه ایفا می کنند. از آن جایی که کشور ما دارای جمعیت جوانی است، یعنی بیش از 50% جمعیت کشور در سنین زیر 20 سال بوده (کمسیون پیشگیری از اعتیاد استان یزد، 1382)؛ جوانان و نوجوانان ما جزء آسیب پذیرترین قشر جامعه در برابر اعتیاد هستند. آمارها نشانگر رشد روز افزون معتادین در جامعه ما است و این وظیفه همگان را در موضع تقابل با این مشکل خطیرتر می سازد. آمارها بیانگر این هستند که میزان مصرف مواد در بین جوامع مختلف به ویژه در میان نوجوانان و جوانان در دهه های اخیر افزایش چشمگیری داشته است (میلشیر و همکاران، 2007). جوانان و نوجوانانی که با مصرف مواد مخدر سرو کار دارند درگیر مسائلی مثل دزدی، خشونت، افت تحصیلی، تفکر بدون سازمان، کاهش سازگاری های روانی اجتماعی، کاهش توانایی های مربوط به حل مسئله، درجه بالای کناره گیری اجتماعی و افسردگی می باشند (نیوکمب و همکاران، 1998، ساسمن، 1996). با در نظر گرفتن این که سن اعتیاد به مواد مخدر همچون ارتکاب رفتارهای مخاطره آمیز در سال های گذشته پایین آمده است و شرایط دیگر و جدیدی پیش روی محققان و دست اندرکاران تعلیم و تربیت قرار داده است، تأکید صرف بر روش های پیشگیری سنتی پاسخگوی مشکلات امروزی نیست. در خصوص سوء مصرف مواد امروزه مشخص شده است که نیازمند مداخلات پیشگیری وسیعی است و به منظور پیشگیری مؤثر به نظر می رسد که شناخت و درک علل رفتار ضروری است (سهرابی و همکاران، 1387).

بنا به نظر باتوین و باتوین (1997)، درمان اعتیاد و شکستن چرخه معیوب آن گران و دشوار است و نظام درمانی جامعی با رویکردهای مختلف دارو درمانی، روان درمانی، «بازپروری»² را می طلبد. تأکید افراطی بر یکی از جنبه ها و رها ساختن سایر موارد با شکست درمان و عود بالا همراه است (به نقل از عبد الله پور، 1387). هر چند کشف

تمامی علل و عوامل و مؤلفه‌های رفتارهای پرخطر مشکل است، اما دستیابی به تعدادی از عوامل و متغیرهای دخیل در این رفتارها بویژه گرایش به سوء مصرف مواد قدرت پیش بینی را تسهیل می‌کند و دست اندرکاران را در جهت پیشگیری اولیه و تدوین برنامه‌های مداخلات آموزشی برای افراد در معرض خطر یاری می‌دهد. بویژه درباره سوء مصرف مواد امروزه مشخص شده است که نیازمند مداخلات پیشگیرانه وسیعی است که یکی از این اقدامات مقابله و پیشگیری از سوء مصرف مواد در بین نوجوانان، تغییر و اصلاح نگرش آنان نسبت به سوء مصرف مواد می‌باشد. مستقیم‌ترین روش مداخله به منظور ارتقای توانایی‌های روانی - اجتماعی، مداخله‌هایی است که منابع مقابله ای اشخاص و توانایی‌های شخصی و اجتماعی آنان را تقویت می‌کند. از آن جا که موضوع نگرش افراد در بسیاری از مباحث روان‌شناسی از جمله روان‌شناسی اجتماعی، شناختی و... مورد نظر بوده است و روان‌شناسان معتقدند که میان نگرش افراد و تأثیر بر عملکرد ایشان و رفتارشان رابطه‌ای مستحکم وجود دارد و می‌دانیم که افراد بر اساس نوع باوری که نسبت به مواد مخدر دارند، یا به مصرف آن روی می‌آورند و یا این که مصرف مواد را ترک می‌کنند. بنا براین، یکی از راه‌های مهار تقاضا، تغییر نگرش افراد نسبت به سوء مصرف مواد مخدر است. نگرش‌ها بخش اصلی هویت انسان هستند و مرکز و محور روان‌شناسی اجتماعی، زیرا بر رفتار، پردازش اطلاعات و رویارویی اجتماعی تأثیر گذاشته و بخشی از خودانگاره فرد را تشکیل می‌دهند (بوهنر و وانک، 2002).

تحقیقات نشان داده است که برنامه‌های آموزش مهارت‌های زندگی موجب کاهش مصرف مواد می‌شود. مثلاً نتایج مصرف سیگار و الکل و حشیش، میزان شیوع کنونی آن و تأثیر مواد مخدر در پائین آمدن میزان مقبولیت اجتماعی فرد و مراحلی که فرد ابتدا شروع به امتحان کردن مواد مخدر می‌کند تا زمانی که به صورت اجباری و بدون اختیار مواد مصرف می‌کند، نشانگر تأثیرات بلافاصله جسمی مصرف مواد مخدر و سیگار می‌باشد. آموزش‌ها قادرند تقریباً 56 تا 67 درصد کاهش در نسبت افرادی که در زمان پیش از این آموزش‌ها، سیگاری نبوده‌اند و بعدها سیگاری‌های دائمی و منظم خواهند شد، ایجاد کند (باتوین و انگ، 1982).

رحمتی (1383)، اثر آموزش مهارت‌های مقابله‌ای را بر نگرش نسبت به سوء مصرف مواد بر روی دانش آموزان دبیرستان در استان کرمان بررسی کرد. نتایج نشان دادند که

آموزش‌ها در تغییر نگرش و ایجاد نگرش منفی نسبت به سوء مصرف مواد در سه حیطه‌ی شناختی، عاطفی و رفتاری مؤثر می‌باشند. طارمیان (1380) و عبداله‌پور (1387) در تحقیقاتی جداگانه تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر تغییر نگرش دانش‌آموزان نسبت به سوء مصرف مواد بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که دانش‌آموزان شرکت‌کننده در کلاس‌های آموزش مهارت‌های زندگی نسبت به گروه کنترل نگرش منفی‌تری نسبت به مواد مخدر پیدا کرده‌اند.

یونسی (1380)، در پژوهشی تغییر نگرش دانش‌آموزان نسبت به اعتیاد به مواد مخدر را مورد بررسی قرار داد. هدف از انجام پژوهش کاهش انگیزه نوجوانان در گرایش به سمت مواد مخدر با تغییر در جنبه‌های شناختی و نگرشی آنان بود. نتایج نشان داد که برنامه آموزش پیشگیری از اعتیاد توانسته بود منفی‌سازی نگرش دانش‌آموزان را در سه جنبه عاطفی، شناختی و رفتاری به دنبال داشته باشد.

خالقی پور (1381)، در پژوهشی نشان داد که آموزش مهارت‌های پیشگیری اولیه بر ابراز وجود و میزان سازگاری و افزایش آگاهی دانش‌آموزان نسبت به مواد مخدر تأثیر دارد و از گرایش به سوء مصرف مواد مخدر جلوگیری می‌کند و تأثیر آموزش مهارت‌های پیشگیری اولیه به صورت حضوری بیشتر از آموزش به صورت مکاتبه‌ای است (به نقل از عبد الله پور، 1387).

رزنو^۳، مونتای^۴، رایونیس^۵ و گالیور^۶ (2001)، در مطالعه‌ای به مقایسه نقش آموزش از طریق نمایش^۷ (CET) و «آموزش مهارت‌های مقابله‌ای»^۸ (CST)، بر پیشگیری از سوء مصرف الکل در بیماران بستری در بیمارستان با پیگیری 6 ماهه و یک ساله پرداختند. نتایج نشان داد که هر دو آموزش به کاهش مصرف الکل منجر گردید. ولی بعد از دوازده ماه مشخص شد که روش آموزش از طریق نمایش، کاهش بیشتری در مصرف الکل داشته و راهبردهای مناسب‌تری برای مقابله با مصرف به دنبال داشته است (به نقل از رحمتی، 1383).

ارکارت و همکاران (1991)، در تحقیق خود تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی، تصمیم‌گیری و مراحل حل مسئله به صورت ایفای نقش را بر مصرف سیگار، الکل و سایر مواد مخدر را سنجیدند و به این نتیجه رسیدند که این آموزش باعث کاهش مصرف سیگار و الکل سایر مواد مخدر در گروه آزمایش شده است (به نقل از عبد الله پور، 1387).

برنامه مهارت‌های زندگی یکی از راهبردهای متمرکز بر فرد است و تلاش می‌کند از طریق افزایش توانایی مقابله‌ای افراد، ظرفیت آنان را در جهت مقابله با چالش‌ها، کشمکش‌ها و ناملازمات زندگی روزمره ارتقا دهند. این برنامه آموزشی به نوجوانان یاد می‌دهد چگونه با استفاده از مهارت‌های رفتار جرأت‌مندانه، تصمیم‌گیری و تفکر نقاد در مقابل وسوسه و یا پیشنهاد سوء مصرف مواد از سوی همسالان مقاومت کنند. هدف باتوین طراحی یک برنامه واحد پیشگیری اولیه بود (باتوین و همکاران، 2004).

مهارت «تفکر انتقادی»⁹ به مثابه یکی از مهارت‌های زندگی، بیشتر به عنوان توانایی افراد متفکر برای به چالش کشیدن تفکراتشان درک می‌شود. این توانایی مستلزم این است که آنها محک‌ها و معیارهای خود را برای تجزیه و تحلیل و ارزیابی تفکراتشان گسترش دهند و به صورت عادی از آن معیارها و استانداردها برای گسترش کیفیت تفکراتشان استفاده کنند (پاول¹⁰ و الدر¹¹، 1998، هالپرن¹²، 1998، به نقل از عسگری، 1384).

مهارت‌های مهم در تفکر انتقادی که به نوجوان در بررسی روایی ادعاها، اظهار نظرها و تبلیغات یاری می‌رسانند به شرح زیر می‌باشند:

1. تشخیص بین واقعه قابل اثبات با ادعاهای ذهنی، 2. تشخیص اطلاعات، ادعاها و استدلال‌های معتبر از نامعتبر، 3. تعیین درستی واقعی اظهار نظر، 4. تعیین اعتبار منابع، 5. تعیین ابهام‌های ادعاها و مباحث، 6. مشخص کردن پیش فرض‌های بیان نشده، 7. تشخیص سوگیری‌ها، 8. مشخص کردن خطاهای منطقی، 9. تشخیص نا همخوانی‌های منطقی در یک استدلال، 10. تعیین نقاط قوت یک بحث یا یک ادعا (بیر، 1995). با عنایت به اینکه نوجوانی دوره تغییرات فیزیکی، اجتماعی و روانی است و عموماً شامل یک دوره پر استرس در طول دوره طبیعی تحول است و تنیدگی‌های روانی اضافی زمینه را برای عملکرد ضعیف نوجوان مهیا می‌کند (پارسخین، 2007)، لیکن در شرایط فعلی جهان، نبودن عوامل تنیدگی‌زا در زندگی امر محالی است، لیکن اگر انسان و مخصوصاً نوجوان مسلح به مهارت‌های زندگی و تفکر باشد، قطعاً از این مشکلات تنیدگی به سلامت خواهد گذشت.

بنابر نظر آجزن و فیش بین (1980)، طبق نظریه عمل متکی بر استدلال، شروع آزمایشی مصرف مواد، اختصاصاً توسط «تصمیم‌گیری» نوجوانان در شروع رفتارهای

ویژه مواد، تعیین می شود. در این نظریه ارتباط میان اطلاعات و نگرش‌ها از یک سو و نگرش‌ها و رفتار از سوی دیگر مدنظر است. با توجه به این شرایط، به نقش مدارس به عنوان مرکزی مهم و حیاتی برای پیشگیری از این آسیب و آسیب‌های دیگر توجه ویژه ای شده است. در برنامه‌های مربوط به پیشگیری از اعتیاد و سوء مصرف مواد مخدر در مدارس، برنامه‌های آموزشی جایگاه ویژه ای دارد. این برنامه‌ها با هدف کاهش تقاضای یعنی ایجاد نوعی مصونیت ذهنی و روانی در برابر سوء مصرف مواد مخدر تدوین و اجرا می شوند.

از جمله موضوعاتی که می تواند محور آموزش در کلاس درس قرار گیرد، «آموزش مهارت تفکر انتقادی» است. با آموزش مهارت تفکر انتقادی می‌توانیم دانش آموزانی پرورش دهیم که با ذهنی باز به جهان بنگرند و همراه با تأمل و تفکر و احترام به نظرات دیگران و روحیه پرسشگری و نقاد به مسائل اطراف خود بنگرند و هیچ نظر و مطلبی را بی‌چون و چرا نپذیرند و اعمال و رفتار و حرفهای افراد جامعه (الگوها) را تحلیل و ارزیابی کنند.

با توجه به موارد مطرح شده، مسئله قابل طرح در پژوهش حاضر این است که «آیا آموزش تفکر انتقادی، تأثیری بر نگرش کلی دانش آموزان نسبت به مصرف مواد مخدر خواهد داشت؟» بنابراین، با هدف تعیین میزان تأثیر آموزش مهارت تفکر انتقادی بر نگرش نسبت به مصرف مواد مخدر در دانش آموزان، فرضیه‌های این پژوهش عبارت بودند از این که «آموزش مهارت تفکر انتقادی موجب تقویت نگرش منفی دانش آموزان نسبت به سوء مواد مخدر می‌شود.» «آموزش مهارت تفکر انتقادی در مؤلفه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری نگرش نسبت به سوء مصرف مواد تغییر ایجاد می‌کند.» «برنامه آموزشی مهارت تفکر انتقادی در مؤلفه‌های سه گانه نگرش نسبت به سوء مصرف مواد، اثربخشی متفاوتی دارد.»، تأثیر «آموزش مهارت تفکر انتقادی به مدت سه ماه پایدار است.»

● روش

طرح کلی این پژوهش با توجه به اهداف و ماهیت آن یک طرح آزمایشی با پیش آزمون و پس آزمون همراه با گروه کنترل بود؛ بدین صورت که پس از انتخاب گروه نمونه

و انتخاب تصادفی آنها به گروه‌های آزمایشی و کنترل، از هر دو گروه در یک زمان پیش آزمون به عمل آمد. پس از آن برنامه «آموزش تفکر انتقادی» در 8 جلسه 90 دقیقه‌ای به صورت هر هفته یک جلسه برای گروه آزمایش به اجرا درآمد و برای گروه کنترل هیچ برنامه‌ای اجرا نشد. پس از پایان این مدت به منظور مقایسه اثر این مداخله از هر دو گروه پس آزمون گرفته شد و نتایج پیش آزمون و پس آزمون در هر دو گروه با یکدیگر مورد مقایسه قرار گرفت.

۱ «جامعه آماری» در این پژوهش کلیه دانش آموزان پسر سال اول مقطع دبیرستان استان یزد بودند که در سال 88-1387 مشغول به تحصیل بودند. هر چند در این پژوهش به دلیل محدودیت‌هایی، امکان همتا کردن آزمودنیها به لحاظ سطح اعتیاد پذیری و نوع نگرش نسبت به مواد مخدر وجود نداشت، ولی دانش آموزان از بسیاری جهات هم‌چون سن، سطح تحصیلات و شرایط اجتماعی در یک سطح قرار داشتند.

۲ روش «نمونه‌گیری» در این پژوهش «نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای» است. بدین صورت که از میان شهرهای استان، شهر یزد از طریق روش قرعه‌کشی تصادفی انتخاب و مجدداً از طریق همین روش یک دبیرستان پسرانه از میان دبیرستان‌های پسرانه این شهر انتخاب شد. بعد از آن لیست کلیه کلاس‌های مقطع اول دبیرستان تهیه و از طریق قرعه‌کشی دو گروه از بین آنها انتخاب شد. در نهایت نیز از طریق گمارش تصادفی یک گروه به گروه کنترل و یک گروه به گروه آزمایش تخصیص داده شد. تعداد افراد هر گروه 20 نفر بود. بنابراین، کل آزمودنی‌های ما در این پژوهش در گروه آزمایش و کنترل 40 نفر بودند.

۳ «ابزار اندازه‌گیری» در این تحقیق، «پرسشنامه نگرش سنج نسبت به مصرف مواد مخدر» می‌باشد که توسط رحمتی (1383) تدوین شده است. این پرسشنامه دارای 34 ماده است که پاسخگویان نظرات خود را درباره هر ماده در قالب سه گزینه بیان می‌کنند. یکی از گزینه‌ها «صفر» یعنی نگرش منفی و «1» که نشانگر نگرش متوسط و «2» نگرش مثبت کدگذاری شد که نشانگر میزان نگرش فرد نسبت به سوء مصرف مواد مخدر بود. در این آزمون حداقل نمره هر فرد «صفر» و حداکثر نمره وی 68 خواهد بود. ضریب اعتبار کل پرسشنامه نگرش نسبت به سوء مصرف مواد با استفاده از بازآزمایی به فاصله یک هفته برابر 0/80 و با روش هم‌هنگی درونی (آلفای کرونباخ) 0/803 بدست آمده

است. نتایج حاصل از تحلیل عاملی پرسشنامه نگرش سنج نشان می‌دهد که پرسشنامه از 4 مقیاس نگرش کلی، باورها (شناختی)، هیجان‌ها (عاطفی) و آمادگی برای عمل (رفتاری) اشباع شده است. (رحمتی، 1383) در پژوهش حاضر، ضریب اعتبار پرسشنامه نیز با دو روش باز آزمایی و آلفای کرونباخ محاسبه شد. 30 نفر از دانش آموزان به صورت جداگانه پرسشنامه نگرش سنج را پاسخ دادند. دو هفته بعد مجدداً این پرسشنامه به آن‌ها ارائه شد که ضریب اعتبار حاصل از روش باز آزمایی 0/71 به دست آمد. آلفای کرونباخ نیز 0/85 بود. برای بدست آوردن روایی صوری، پرسشنامه توسط پژوهشگر برای 5 نفر از اساتید متخصص ارسال شد و در نهایت روایی صوری و محتوایی آن مورد تأیید قرار گرفت.

۱ «متغیر مستقل» در این تحقیق، برنامه مداخله آموزشی (آموزش مهارت تفکر انتقادی) بود که در قالب 8 جلسه 90 دقیقه بر روی گروه آزمایش اجرا شد. محتوای آموزش شامل:

الف. 5 مرحله فنون عملی تفکر انتقادی (1. فعال سازی جریان تفکر 2. واریسی گسترده و مداوم موقعیت‌های تفکر و تامل با سوال کردن 3. بررسی دقیق منابع اصلی افکار و عقاید و ارزیابی آنها 4. توانایی نقد و بررسی راه حل‌ها بدون مطرح نمودن جایگزین 5. مشاهده فرایندها و موقعیت‌ها از دیدگاه‌های مختلف و ارزیابی دلایل و شواهد آنها)

ب. آموزش ده مهارت تفکر انتقادی با ذکر مثال با این محتوا: 1. تشخیص بین واقعه قابل اثبات با دایه‌های ذهنی، 2. تشخیص اطلاعات، ادعاها، و استدلال‌های معتبر از نا معتبر، 3. تعیین درستی واقعی اظهار نظر، 4. تعیین اعتبار منابع، 5. تعیین ابهام‌های ادعاها و مباحث، 6. مشخص کردن پیش فرض‌های بیان نشده، 7. تشخیص سو گیری‌ها، 8. مشخص کردن خطاهای منطقی، 9. تشخیص نا همخوانی‌های منطقی در یک استدلال، 10. تعیین نقاط قوت یک بحث یا یک ادعا.

۱ «متغیر وابسته» در تحقیق حاضر تغییر نگرش دانشجویان نسبت به مصرف مواد بود که میزان تغییرات آن با تفاضل نمرات پیش آزمون و پس آزمون مشخص می‌شد. داده‌های این پژوهش با توجه به ماهیت تحقیق با استفاده از آمار توصیفی، پیش آزمون و پس آزمون دو گروه در نمره کلی نگرش و مؤلفه‌های سه گانه ی آن محاسبه و در

جدول‌ها تنظیم شدند. به منظور بررسی فرضیه‌های تحقیق و تحلیل آماری داده‌ها از آزمون کوواریانس یک طرفه و همچنین برای سنجش تأثیر آموزش مهارت تفکر انتقادی به مدت سه ماه، از آزمون t زوجی استفاده شد.

• نتایج

جدول 1 یافته‌های توصیفی گروه آزمایش و کنترل در مراحل پیش آزمون - پس آزمون برای هر یک از زیر مقیاس‌های پرسشنامه نگرش سنج نسبت به سوء مصرف مواد را نشان می‌دهد.

جدول 1- میانگین و انحراف استاندارد نمرات پرسشنامه نگرش نسبت به سوء مصرف مواد مخدر در گروه آزمایش و

کنترل

کنترل		آزمایش		مرحله	
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	خرده مقیاس‌ها	
2/92	4/01	3/53	5/61	پیش آزمون	نگرش
3/47	4/22	1/71	2/28	پس آزمون	رفتاری
2/65	5/75	3/53	6/67	پیش آزمون	نگرش
3/07	5/92	2/71	5/28	پس آزمون	عاطفی
2/72	7/39	3/50	10/11	پیش آزمون	نگرش
3/58	6/82	2/73	4/94	پس آزمون	شناختی
2/82	4/75	2/41	4/83	پیش آزمون	نگرش
2/47	4/68	1/99	2/11	پس آزمون	عمومی
8/71	21/90	10	27/22	پیش آزمون	نمره کلی
11/16	21/64	5/45	14/61	پس آزمون	نگرش

نمره بالا در پرسشنامه «نگرش نسبت به سوء مصرف مواد»، به معنی نگرش مثبت و گرایش به سوء مصرف مواد می‌باشد. نتایج جدول 1 نشانگر این مطلب است که میانگین نمرات نگرش نسبت به سوء مصرف مواد گروه نمونه در سه حوزه «شناختی»، «رفتاری»، «عاطفی» و «نگرش عمومی» و همچنین نمره کلی نگرش در گروه آزمایش که تحت مداخله و آموزش قرار گرفته‌اند در پس آزمون کمتر از پیش آزمون است. برای بررسی معناداری تفاوت بین نمرات پیش آزمون و پس آزمون در دو گروه آزمایش و کنترل از دو روش تحلیل کوواریانس تفاوت نمرات پیش آزمون پس آزمون استفاده شده

است که نتایج آن در جدول‌های بعدی ارائه شده است. نتایج حاصل از اجرای تحلیل کواریانس و مفروضه‌های آن در نمره نگرش نسبت به مواد مخدر در جدول 2 ارائه شده است. بر اساس این جدول، نتایج حاصل از آزمون لوین در نگرش کلی نسبت به مواد مخدر در سطح 5% معنادار نمی‌باشد. بنابراین فرض صفر مبنی بر برابری واریانسها در هر دو گروه تأیید می‌گردد. همچنین نتایج حاصل از بررسی شیب خط رگرسیون در نگرش کلی نسبت به مواد مخدر (آزمون همگنی شیبها) نشان می‌دهد که F مشاهده شده در سطح 5% معنادار نیست. بنابراین، فرض همگنی شیبها در گروه آزمایش و کنترل نیز تأیید می‌گردد. همانگونه که ملاحظه می‌شود تحلیل کواریانس در نگرش کلی نسبت به مواد مخدر معنادار است. این بدان معناست که فرضیه اول پژوهش مبنی بر اینکه «آموزش مهارت تفکر انتقادی موجب تقویت نگرش منفی نسبت به سوء مصرف مواد می‌شود»، تأیید گردید. به عبارت دیگر آموزش مهارت تفکر انتقادی بر نگرش کلی نسبت به مواد مخدر تأثیر گذاشته است. نتایج آزمون تحلیل کواریانس به تفکیک خرده مقیاس باورهای نادرست (نگرش شناختی)، خرده مقیاس حالات و هیجانی واحساسی (نگرش عاطفی) و خرده مقیاس آمادگی عمل (نگرش رفتاری) و نگرش عمومی نیز در جدول 2 بیانگر این مطلب است که بین میانگین نمرات گروه آزمایش و کنترل در نگرش‌های شناختی و رفتاری و عمومی تفاوتی معنادار وجود دارد اما در نگرش عاطفی تفاوت معناداری وجود ندارد. یعنی آموزش مهارت تفکر انتقادی فقط موجب تغییر در شناخت و رفتار و نگرش عمومی دانش‌آموزان نسبت به سوء مصرف مواد شده است.

جدول 2. آزمون تحلیل کواریانس مقایسه گروه آزمایش و کنترل در نمره نگرش نسبت به سوء مصرف مواد

متغیر	شاخص‌ها	همگنی واریانس‌ها		همگنی شیب‌ها		تحلیل کواریانس			
		F	سطح معنی داری	F	سطح معنی داری	کواریانس F	سطح معنی داری	η^2	توان
نگرش شناختی	0/02	0/75	0/34	1/08	0/34	6/94	0/013	0/12	0/60
نگرش عاطفی	0/18	0/58	0/43	0/42	0/43	1/21	0/27	0/006	0/07
نگرش رفتاری	4/33	0/035	0/09	4/09	0/09	5/38	0/027	0/10	0/43
نگرش عمومی	0/43	0/49	0/18	2/4	0/18	2/97	0/04	0/06	0/34
نمره کل نگرش	0/34	0/56	0/108	2/38	0/108	5/22	0/029	0/09	0/41

برای پاسخ به این سوال که «آموزش مهارت تفکر انتقادی، بیشترین تأثیر را در کدامیک از حوزه‌های نگرش (عاطفی، شناختی، رفتاری و عمومی) داشته است» باید ستون آخر جدول 2 را برای تمامی حوزه‌ها مقایسه نمود که این امر بیانگر بیشترین تأثیر آموزش بر مولفه «شناختی» با توان 0/6 و کمترین تأثیر بر مولفه «عاطفی» با توان 0/07 است. فرض سوم تحقیق بر این مبنا ارائه شده بود.

برای پاسخ به این سوال که «آیا تأثیر آموزش مهارت تفکر انتقادی به مدت سه ماه پایدار است یا خیر». بعد از سه ماه پس از آزمون دیگری گرفته شد تا میزان پایداری آموزش سنجیده شود. که نتایج آن در جدول 3 ارائه شده است. مقدار t بدست آمده در این جدول نشانگر این است که آموزش تفکر انتقادی در نگرش کلی نسبت به سوء مصرف مواد بعد از سه ماه در سطح $p < 0/05$ معنادار نیست. یعنی اینکه بین نمرات دانش آموزان گروه آزمایش در دو حالت بلافاصله پس از آموزش و سه ماه بعد از آموزش تفاوت معناداری در سطح خطای 0/05 وجود ندارد ($sig = 0/42$). بنابراین فرضیه سوم نیز تأیید می‌شود.

جدول 3 - خلاصه اطلاعات آزمون t زوجی، به منظور مقایسه میانگین نمرات کل پرسشنامه دانش آموزان نسبت به مواد مخدر در دو حالت بلافاصله پس از آموزش و 3 ماه بعد از آموزش

گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	تفاضل میانگین‌ها	انحراف معیار	T	درجه آزادی	سطح معنی داری
بلافاصله پس از آزمون 3 ماه بعد از آموزش	12/77	1/10	-0/94	1/14	0/827	17	0/42
	13/72	1/29					

● بحث و نتیجه گیری

با توجه به توضیحات و بررسی‌های مختصری که در مورد رویکردهای پیشگیری از سوء مصرف ارائه شد می‌توان چنین نتیجه گرفت که علی‌رغم تاریخچه علمی بسیار کوتاه این میدان پژوهشی، ما هم اکنون صاحب راهبردهای پیشگیری نسبتاً مؤثر و کارآمدی در این زمینه هستیم. به نظر می‌رسد به همان اندازه که ما مباحث نظری را بیشتر با مطالعات تجربی و دقیق با توجه به ابعاد روان شناختی و جسمانی انسان در تبیین سوء مصرف مواد همراه کنیم به نتایج امیدوار کننده تر و کارآمدتری نیز دست می‌یابیم. با این توصیف دست یافتن به رویکردهای پیشگیری اثربخش، خود مستلزم انطباق هر چه بیشتر

و کاملتر مباحث نظری و مطالعات تجربی با ابعاد مختلف وجودی انسان است.

i همان گونه که قبلاً نیز گفته شد هدف کلی این پژوهش « بررسی و مطالعه تأثیر برنامه مداخله ای آموزش مهارت تفکر انتقادی در تغییر نگرش نسبت به سوء مصرف مواد مخدر است». برای دستیابی به هدف کلی و اهداف فرعی تحقیق و پاسخ علمی به سؤال‌هایی که برای پژوهشگر مطرح بود به آزمون فرضیه‌های تحقیق مبادرت شد که در این فصل به بحث و تحلیل یافته‌های یافته‌های پژوهش می‌پردازیم.

i در آزمون فرضیه اول تحقیق، مبنی بر اینکه آموزش مهارت تفکر انتقادی موجب تقویت نگرش منفی نسبت به سوء مصرف مواد می‌شود، داده‌های تحقیق و نتایج حاصل از تحلیل کوواریانس روشن ساخت که بین میانگین نمرات پس آزمون گروه‌های آزمایش و کنترل تفاوت معناداری وجود دارد ($F=5/22$ و $p<0/029$).

i نتایج حاصل از پژوهش حاضر، یافته‌های تحقیقات بوتوین و همکاران (2001)، کارول (1998)، رحمتی (1383)، طارمیان (1387)، عبدالله پور و سهرابی را مورد تأیید قرار داده‌اند. آنان در این تحقیقات بیان کرده‌اند که در زمینه درمان و پیشگیری از سوء مصرف مواد، آموزش مهارت‌های زندگی، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های تصمیم‌گیری و مراحل حل مسئله، مهارت‌های مهار اضطراب و تنیدگی، مهارت‌های قاطعیت و جرأت‌ورزی باعث می‌شود که افراد تعارض‌های خود با همسالان را به طریق سازنده‌ای حل کنند، توانایی مهار تکانه و برانگیختگی در آنها افزایش می‌یابد و افزایش مهارت‌های مقابله‌ای شناختی در آنان باعث کاهش تمایل به استفاده از مواد مخدر و پیشگیری از مصرف مواد مخدر می‌شود. بنابراین، برنامه آموزشی مهارت تفکر انتقادی در جهت آموزش پیشگیری از اعتیاد می‌تواند منفی‌سازی نگرش شرکت‌کنندگان را در ابعاد مختلف در پی داشته باشد.

i در تبیین این نتایج باید اذعان نمود که «سوء مصرف مواد» به عنوان رفتاری است که به صورت اجتماعی آموخته می‌شود، رفتار کنشی که نتیجه تعامل بین عوامل اجتماعی (بین فردی) است. به این بیان که رفتار مصرف مواد از یک سو به وسیله فرایند الگوبرداری، تقلید و تقویت آموخته می‌شود. از سوی دیگر رفتار مصرف مواد از شناخت‌ها، نگرش‌ها و باورهای فرد تأثیر می‌پذیرد. مطالعات روان‌شناسی اجتماعی ثابت کرده است که افراد در برابر «نفوذ اجتماعی» به روش‌های متفاوتی واکنش نشان می‌دهند و

خصوصیات شخصیتی اثر تعیین کننده ای در این موقعیت‌ها دارند. به‌عنوان مثال افرادی که اعتماد به نفس پایین دارند، خودباوری ضعیف داشته و قادر به تصمیم‌گیری مستقل نیستند یا احساس مهار فردی آنها ضعیف است، بیشتر تحت تأثیر تبلیغات قرار می‌گیرند. این اشخاص اگر از حیث نفوذ اجتماعی بیشتر تأثیرپذیر باشند احتمال بیشتری دارد که به مصرف سیگار و الکل و مواد مخدر روی آورند. بنابراین اگر فرد دارای مهارت تفکر انتقادی باشد، به نگرش یک متفکر منتقد عادت کند؛ یعنی نگرشی عاری از تعصب، همراه با تردید سالم و بجا، تواضع منطقی، آزاد اندیشی، و انگیزش بالا داشته باشد، ظرفیت او در پاسخگویی قاطع در مقابل نفوذ اجتماعی استفاده از سیگار و مواد مخدر بالا می‌رود و از میزان مستعد بودن وی در برابر تأثیرات اجتماعی کم می‌شود. با آموزش مهارت تفکر انتقادی و ایجاد تغییر در عوامل فردی و روان‌شناختی و مجهز کردن نوجوانان به مهارت‌های ضروری و مورد نیاز، به منظور شناسایی و نقد و بررسی و مقاومت در برابر فشارهای اجتماعی و نیز آگاه‌سازی نوجوانان از فنون تبلیغاتی و متقاعد سازی رسانه‌ها و آماده کردن آنها برای مقابله با فشارهای مستقیم و غیر مستقیم همسالان، بر همبسته‌های روان‌شناختی مصرف مواد از قبیل باورها و نگرش‌های آنان نیز تأثیر می‌گذارد.

؛ استدلال دیگر بر تأثیر مداخله آموزش روی «نگرش» دانش‌آموزان نسبت به مواد مخدر این است که دانش‌آموزان بعد از قرار گرفتن در معرض مداخله آموزشی دریافته‌اند که استفاده از مواد مخدر نمی‌تواند به منزله راهی مطمئن و پایدار برای مقابله با مشکلات، احساسات منفی و موقعیت‌های تنیدگی‌زای زندگی باشد. یعنی آموزش توانسته است دانش‌آموزان را در تحلیل منطقی تر از مواد در تأمین بعضی از نیازها و جبران کمبودهایشان یاری نماید.

؛ در «نظریه عمل متکی بر استدلال» (آجرن و فیش بین، 1980)، نظر بر این است که سوء مصرف مواد اختصاصاً توسط تصمیم‌گیری نوجوان در شروع رفتارهای ویژه مواد، تعیین می‌شود. در این نظریه، ارتباط میان اطلاعات و نگرش‌ها از یک سو و نگرش‌ها و رفتار از سوی دیگر مد نظر است. مداخله آموزشی شرایطی است تا نوجوان با تقویت تفکر منطقی و تیز بینی، تصمیم‌گیری مناسب و معقول اتخاذ نماید. ؛ در ارتباط با این فرض که «آموزش ساخت رفتارهای سالم می‌تواند در مؤلفه‌های

شناختی و رفتاری نگرش نسبت به سوء مصرف مواد تغییر ایجاد کند»، داده‌های تحقیق حاضر با استفاده از تحلیل کوواریانس نشان داد که بین میانگین نمرات پس آزمون گروه‌های آزمایش و کنترل تفاوت معناداری وجود دارد. به این معنی است که آموزش مهارت تفکر انتقادی توانسته است، بر باورهای غلط و شناخت غیر واقع بینانه و جنبه رفتاری دانش آموزان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر تأثیر بگذارد و آن‌ها را منفی کند.

؛ عدم تأثیر آموزش تفکر انتقادی بر روی مؤلفه عاطفی می تواند به دلایل مختلفی باشد. به نظر محقق، جنس (پسر) آزمودنی‌ها، که منطقی و استدلالی بودن آن‌ها را می رساند می تواند یکی از عوامل باشد. عامل دیگر آموزش تفکر انتقادی است؛ چرا که آموزش تفکر انتقادی احساساتی بودن را رد می کند و به موارد شناختی و استدلالی تأکید می کند. مواردی همچون اشکال در ابزار، فرهنگ منطقه و... می تواند در این مورد مد نظر قرار گیرد.

؛ بر اساس نتایج آزمون t زوجی، می توان نتیجه گرفت که بین نمرات دانش آموزان گروه آزمایش در دو مرحله دو حالت بلافاصله پس از آموزش و 3 ماه بعد از آموزش تفاوت معناداری در سطح خطای 0/05 وجود ندارد (sig = 0/42). بدین معنی که اعمال مداخله، دارای نتایج با ثبات در بین دانش آموزان به مدت 3 ماه می باشد. بدین ترتیب آموزش مهارت تفکر انتقادی توانسته است هم بر نگرش دانش آموزان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر مؤثر باشد؛ و هم بر اجزاء شناختی و رفتاری؛ و هم اثرات پایداری را در نگرش کلی نسبت به مواد مخدر بر جای بگذارد. اما در جزء عاطفی نگرش نسبت به مواد مخدر اثری نداشته است.

؛ در مجموع نتایج کلی پژوهش تأیید دیگری است بر یافته‌های آن دسته از پژوهش‌هایی که اثر بخشی مداخلات آموزشی از نوع آموزش مهارت‌های زندگی را به عنوان متغیر مستقل بر پیشگیری از سوء مصرف مواد و متغیرهای مرتبط با آن اثبات نموده اند.

هم چنین بخشی از تأثیر برنامه آموزش مهارت تفکر انتقادی بر تغییر نگرش هم سو با دیدگاه ایوانز و همکاران (به نقل از رحمتی، 1383) می باشد. آن‌ها در مطالعات خود نشان دادند که هم چنین نتایج پژوهش حاضر به طور ضمنی با بعضی از دیدگاه‌ها

و اصول نظری حاکم بر شکل گیری و تغییر نگرش‌ها هم سویی دارد. اگر براساس داده‌های تحقیق حاضر در جدول 2 بپذیریم که این پژوهش توانسته است نگرش عده ای از دانش آموزان را نسبت به سوء مصرف از طریق آموزش تفکر انتقادی تغییر دهد، با نظر بوهنر و وانک (2002)، از این نظر هم سو شده است که معتقدند همان گونه که شکل گیری نگرش تابع اصول یادگیری است، تغییر آن نیز از اصول و قواعد خاصی پیروی می کند.

i i i

یادداشت‌ها

- | | |
|--|-------------------|
| 1. Mersy | 2. rehabilitation |
| 3. Rohsenow | 4. Monti |
| 5. Rubonis | 6. Gulliver |
| 7. continuing education and training (CET) | |
| 8. coping skills training (CST) | |
| 9. critical thinking | 10. Paul |
| 11. Elder | 12. Halpern |

منابع

- رفیع زاده تفتی، فاطمه. (1384). بررسی میزان آشنایی دبیران شهرستان تفت با تفکر انتقادی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور.
- رحمتی، عباس. (1383) آموزش مهارت‌های مقابله ای در تغییر نگرش نسبت به سوء مصرف مواد در دانش آموزان کرمان. پایان نامه دکترا. دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.
- سهرابی، فرامرز، هادیان، مینا، دائمی، حمیدرضا، اصغر نژاد فرید، علی اصغر (1387). اثربخشی برنامه آموزشی رفتارهای سالم در نگرش دانشجویان نسبت به سوء مصرف مواد. مجله علوم رفتاری. دوره 2، شماره 3، ص 21.
- کمیسیون پیشگیری از اعتیاد استان یزد، (1382). اعتیاد پیشگیری یا درمان؟ یزد: نیکو روش.
- طارمیان، فرهاد. (1380). بررسی اثربخشی برنامه آموزش مهارت‌های زندگی به منظور پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر در دانش آموزان سال اول راهنمایی. دفتر پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر.
- عبد الله پور، مرتضی. (1387). اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر تغییر نگرش دانش آموزان مقطع دبیرستان شهر سیرجان نسبت به سوء مصرف مواد. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- مایرز، چت. (1374). آموزش تفکر انتقادی. ترجمه خدایار ابیلی. تهران: سمت.
- یونسی، جلال. (1380). بررسی اثربخشی تغییر نگرش دانش آموزان نسبت به اعتیاد و مواد مخدر در کاهش انگیزه نوجوانان در گرایش به سمت مواد مخدر. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.

- Ajzen, I. & Fishbein, M. (1980). *Understanding attitude and predicting social behavior*. Englewood Cliffs, NJ; Prentice – Hall.
- American Psychiatric Association. (1999). *Substance abuse and addiction*. Retrieved from Internet: [http://www.psych.org/public – info/substance](http://www.psych.org/public-info/substance) July 17, 2008.
- Beyer, B. K. (1995). *Critical thinking*. Phi Delta Kappa Education Foundation, (pp.8). Indiana: Bloomington.
- Bohner, G. & Wanke, M. (2002). *Attitude and attitude change*. USA. Psychology Press.
- Botvin, G. J. & Eng, A. (1982) The efficacy of a multi component approach to the prevention of cigarette smoking. *Preventive Medicine*. 11: 199-211.
- Botvin, G., Griffin, K. W., Diaz, T., Ifill - Williams, C. & Epstein, J. A. (2001). Preventing binge drinking during early adolescence: One – and two – year follow – up of a school – based preventive intervention. *Psychology of Addictive Behaviors*. 15, 360-365.
- Botvin, G., Griffin, K. W., Paul .E., & Macaulary. A. P. (2004). Preventing tobacco and alcohol use among elementary school students through skills training. *Journal of Child and Adolescent Substance Abuse* 12, 1-18.
- Carroll, M. K. (1998) *Therapy manuals drug addiction: A cognitive behavioral approach*, National Institute on Drug Abuse Press.
- Melchior, M., Chastang, J. & Goldberg, P. (2007) High prevalence rates of tobacco, alcohol and drug use in adolescents and young adults in France: Results from the GAZEL Youth study. *Addictive Behavior*. 33: 122-133.
- Newcomb, M. D.; & Bentler, P. M. (1998) *Consequence of adolescent drug use: Impact on the lives of young adults*. New York.
- Parsekhian, A. (2007). *The relationship among substance abuse, education, parental attitude, History of physical abuse, social support, and child abuse by adolescent mothers*. In partial fulfillment of the requirements for the degree master of social work. California State University, Long Beach.
- Paul, R., & Elder. (1998). Critical thinking: Why we must transform our teaching. *Journal of Development Education* 18 (1), 34-35.
- Smith, A. (2006), Caffeine and psychomotor performance: A reply to James. *British Journal of Addiction*, 90 (9) 1261-1262.
- Sussman, S. (1996). Development of a school based drug abused prevention curriculum for high risk youths. *Journal of Psychoactive Drugs*. 28 (2): 169-182.
- World Health Organization (WHO) (1997) . *Life skills education for children and adolescents*. – Programme on Mental – Geneva.

i

i

i